

تحلیل کیفی تجردهای ناخواسته در دختران و پسران

Psychological Impacts of Unwished Celibacy Among Girl and Boys

M. B. Kajbaf, Ph.D. ✉

Z. Latifi, M. A.

H. R. Pouretmad, Ph.D.

M. Tavakoli, M. A.

دکتر محمدباقر کجباغ ✉

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

زهره لطیفی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر حمیدرضا پوراعتماد

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

ماهگل توکلی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

Abstract

The purpose of this study was to investigate attitudes, feelings, reactions and needs of girls and boys with unwished celibacy. The individual and social consequence of this phenomenon was also investigated.

20 girls and 10 boys (ages between 32 and 42) undergone a deep interview with a phonological approach.

Qualitative analysis of data indicated that perfectionism and parents' strictness on girls were the most important obstacles for their marriage.

چکیده:

هدف این تحقیق بررسی دیدگاه‌ها، نگرش‌ها، احساسات، واکنش‌ها و نیازمندی‌های افراد مجرد در رابطه با مسائل فردی و اجتماعی است تا علل احتمالی، عوارض و پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی این پدیده برجسته و راه‌کارهای مواجهه با آن از منظر شرکت‌کنندگان در تحقیق بررسی شود. بدین منظور ۱۰ پسر و ۲۰ دختر (سنین ۳۲ تا ۴۲ سال) با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه عمیق فردی صورت گرفت.

✉Correspornding author: Dept. of Psychology
Isfahan University, Tehran, Iran
Tel: +98311-7932569
Fax: +98311-6683107
Email: m.b.kaj@edu.ui.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: اصفهان - خیابان هزار جریب - دانشگاه اصفهان
- دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی - گروه روان‌شناسی
تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۵۶۹ دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷
email: m.b.kaj@edu.ui.ac.ir پست الکترونیکی:

But economic restrictions and difficulty in making decision (choosing right girl to get married) were the important causes for celibacy in boys. Female participants were absolutely unsatisfied with their condition and usually felt failure accompanied with physical weakness. They tended to show wide range of incommensurable reactions to deal with their society problems.

KeyWords: Unwished Celibacy, attitudes, feelings, reactions, needs.

داده‌های کلامی، پس از آن که کلمه به کلمه ثبت شدند، مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند. تحلیل نتایج به روش کلایزی نشان داد که مهم‌ترین دلایل مجرد ماندن گروه دختران، کمال‌گرایی، سخت‌گیری بیش از حد والدین و پیدا نکردن زوج مناسب، و در پسران عمدتاً مشکلات اقتصادی و تردید در تصمیم‌گیری برای انتخاب بوده است. در مجموع افراد مجرد از وضعیت خود راضی نبوده و احساس شکست روانی، ضعف جسمانی و احساس طردشدگی و عدم پذیرش داشته‌اند. آن‌ها در واکنش به نگرش‌های جامعه رفتارهای مختلف و متناقضی بروز می‌دادند که مورد بحث قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تجردهای ناخواسته، پیامدهای روان‌شناختی، روش کیفی

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های مهم سلامت روانی، سلامت عاطفی است (بستانی، ۱۳۷۲). واپس‌زدن خواسته‌ها و تمایلات، انزوا و تشویش ناشی از نیازهای عاطفی برآورده نشده، می‌تواند به اختلالات روان‌تنی و روان‌پریشی منجر گردد (قراچه‌داغی، ۱۳۷۰). از نیازهای عاطفی زن و مرد این است که دیده شوند، شناخته گردند، مورد تقدیر یکدیگر واقع شوند و نیازهای جنسی یکدیگر را تأمین کنند. عشق و ازدواج این نیازها را می‌شناسد و بدان پاسخ می‌دهد (سیف، ۱۳۶۸).

ازدواج خواست و نیاز طبیعی انسان است که همه مکاتب به‌ویژه مکاتب آسمانی پیروان خود را به انجام آن تشویق و ترغیب می‌کنند (امینی، ۱۳۷۱). در جوامع ابتدایی و سنتی، فرد به محض احساس نیاز، اقدام به تشکیل خانواده می‌نمود. ولی به تدریج با پیشرفت علم و صنعت، سن ازدواج افزایش یافت و باعث بروز مشکلات فراوانی در این حیطه شد (احمدی، ۱۳۸۲). براساس گزارش شورای عالی جوانان (۱۳۸۳)، گرایش جوانان به تشکیل خانواده به نحو چشمگیری نسبت به قبل کمتر شده است. تأخیر در ازدواج به دلیل گرفتن شغل، ادامه تحصیل و... منجر به انجام ازدواج در سنین بالا می‌گردد که خود آثار سوء فراوانی برای فرد و جامعه خواهد داشت. یکی از عوارض زیان‌بار افزایش سن ازدواج در دختران، افزایش نرخ وقوع ناهنجاری‌های مادرزادی و عقب‌ماندگی در نوزادان است که می‌تواند منحنی سلامت و هوش را در جامعه دچار چولگی منفی نماید.

مجرد قطعی به افرادی گفته می‌شود که تا سن ۵۰ سالگی ازدواج نکرده‌اند. براساس این شاخص، مجرد قطعی در سال گذشته (۱۳۸۵) ۱/۲ درصد برای زنان و ۱ درصد نیز برای مردان گزارش شده که تغییرات این شاخص برای زنان نسبت به ۳ دهه گذشته ۳/۱ درصد و برای مردان ۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در مورد میانگین افزایش سن ازدواج در سال ۱۳۸۰، ۴/۲۳ سال برای زنان و ۱/۲۶ سال برای مردان برآورد شده و تغییرات این شاخص در مورد زنان نسبت به سال ۷۵ یک سال و نسبت به سه دهه گذشته ۷/۳ سال افزایش داشته است (مرکز آمار و اطلاعات شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۵).

با نگاهی کلی به متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشور طی چهار دهه اخیر، مشاهده می‌شود که رشد جمعیت در ایران با تغییرات قابل توجهی همراه بوده است. نرخ رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۳۵ حدود ۱/۳، ۵۵-۱۳۴۵ حدود ۱/۷، ۱۳۷۵-۱۳۶۵ تقریباً ۱/۹۶ و در سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ به میزان ۱/۶۱ گزارش شده است (مرکز آمار ایران). مشاهده می‌شود که تحولات جمعیتی در ایران طی دهه گذشته از الگوی یکنواختی تبعیت نکرده و دارای فراز و نشیب‌های قابل توجهی بوده است. جمعیت ایران طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ با نرخ رشد سالانه بسیار بالایی افزایش یافته است. باید توجه داشت که اگر از مرگ و میر و مهاجرت افراد ۱۰ تا ۲۰ ساله در سال ۱۳۷۵ صرف‌نظر کنیم همان تعداد دختران و پسران که در سال ۱۳۷۵ در گروه سنی ۱۰ تا ۲۰ ساله سرشماری شده‌اند، در حال حاضر در سنین ۲۰ تا ۳۰ سال هستند. از آنجایی که براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۷۵ میانگین سن ازدواج برای زنان برابر با ۲۲/۴ سال و برای مردان ۲۵/۶ سال برآورد شده است، گروه کثیری از افراد طیف سنی ۱۰ تا ۲۰ ساله در سرشماری ۱۳۷۵ وارد سن ازدواج شده‌اند، اما تعداد زیادی از دختران، مجرد باقی مانده‌اند. اطلاعات موجود نشان می‌دهند در هر مقطع تعداد دخترانی که به سن ازدواج رسیده‌اند بیش از تعداد پسرانی است که در سنین ازدواج قرار دارند و این عدم تعادل در تعداد دختران و پسران موجود در سنین ازدواج در تمامی گروه‌های سنی دیده می‌شود. جدول شماره ۱ رشد نسبت دختران به پسران را همگام با نزدیک شدن به سنین ازدواج نشان می‌دهد.

جدول ۱: نسبت دختر و پسر در سنین ۲۰-۱۷

(برگرفته از آمار سازمان ملی جوانان ۱۳۸۴)

تعداد زنان	تعداد مردان	فراوانی بر حسب جنسیت
		سن
۶۹۸۲۲۷	۷۱۷۲۱۱	۱۷
۶۶۰۸۴۹	۶۶۱۹۵۹	۱۸
۶۰۰۳۶۹	۵۶۳۲۳۸	۱۹
۵۹۶۸۳۲	۵۴۲۸۱۶	۲۰

بنابراین اگر تمامی پسرانی که به سنین ازدواج می‌رسند اقدام به ازدواج کنند باز هم تعدادی از دختران به‌صورت مزاد مجرد باقی می‌مانند (آمار سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴). با وجود این اختلاف ۳ تا ۴ سال در هر نسل، ۱۴ تا ۱۹ درصد دختران ۱۰ تا ۲۰ ساله نسل ۱۳۷۵ در سال‌های ۱۳۸۹ - ۱۳۷۹، شانس ازدواج نخواهند داشت و مجرد خواهند ماند. به عبارتی هم اکنون شش میلیون و یکصد هزار دختر ایرانی در مقابل چهار میلیون و سیصد هزار پسر ایرانی برای ازدواج رقابت می‌کنند (صمدی‌راد، ۱۳۸۵).

افزایش سطح تحصیلات و آگاهی دختران، وجود موانع فرهنگی مرتبط با ازدواج، بالا رفتن سطح انتظارات جوانان، گسترش بیکاری پسران، مشکلات اقتصادی، افزایش مرگ و میر پسران ناشی از تصادفات رانندگی، افزایش بزهکاری و زندانی شدن، اعتیاد و صرف‌نظر کردن از ازدواج، مهاجرت پسران مجرد به خارج از کشور، از جمله عوامل عدم تناسب بین دختر و پسر در سنین ازدواج می‌باشد (مرکز آمار امور زنان و خانواده، ۱۳۸۵). این عدم تناسب در متون کلاسیک جمعیت‌شناسی معنای مشخصی دارد و مضيقه ازدواج^۱ نام گرفته است که در آن یک جنس (مذکر یا مؤنث) با مجموعه کوچکتري برای انتخاب شريك بالقوه ازدواج روبه‌رو می‌شود (اکرز^۲، ۱۹۶۷ و کارمایکل^۳، ۱۹۸۸). مضيقه ازدواج، چه در شکل‌گذاری آن (نظير آمريکا، ۱۹۶۶-۱۹۵۳) و چه به‌صورت نسبتاً پایدار (مثل ويتنام) اثرات شگرفی بر ساختارها و مناسبات اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی جامعه دارد، که تغيير در جایگاه و قدرت نسبی هنجارهای رفتار جنسی، نرخ ازدواج، ثبات خانواده، افزایش درصد افراد مجرد، کاهش باروری نکاحی، افزایش نرخ طلاق، افزایش کودکان (یا حاملگی‌های) نامشروع، افزایش اشتغال زنان (گوتنتاگ و سکورد، ۱۹۸۳)، افزایش فمینیسم (تاکر^۴، ۱۹۸۶) و افزایش جهیزیه و هدیه ازدواج (رائو^۵، ۱۹۹۳) از آن جمله‌اند. به این فهرست باید افزایش نرخ ازدواج‌های نامتناسب و هجوم دختران برای تحصیلات دانشگاهی را نیز افزود.

در فرهنگ‌هایی نظیر فرهنگ ایرانی که به‌صورت سنتی نقش‌های جنسیتی در ازدواج یکسان نبوده و معمولاً نقش فعال و انتخاب‌کننده به پسران محول شده است، پدیده مضيقه ازدواج در دختران ایرانی متفاوت با مضيقه ازدواج در پسران تلقی شده و در دختران «تجردهای ناخواسته» نام گرفته است (پوراعتماد، ۱۳۸۳ و پوراعتماد و همکاران، ۱۳۸۵). این تلویحاً نشان می‌دهد که علل، عوارض و پیامدها و راهبردهای مواجهه با این پدیده در دختران و پسران اساساً متفاوت است. براساس تحقیق صمدی‌راد (۱۳۸۲) برخلاف آن‌چه در ابتدا به‌نظر می‌رسد، ازدواج نکردن و نداشتن همسر مشکل بزرگ و اساسی اغلب دختران مجرد نیست، چرا که ۵۲/۵٪ دختران مجرد با این موضوع که نداشتن همسر بزرگترین مشکل آن‌هاست مخالف یا بسیار مخالف بودند و ۳۴٪ از آن‌ها نداشتن استقلال و وابسته بودن به خانواده پدری، نداشتن استقلال مالی یا درآمد شخصی را مهم‌ترین مشکل خود ابراز کرده‌اند و در عین حال، حدود هشتاد درصد زنان مجرد گفته‌اند که امکان زندگی بدون

دغدغه خاطر و نگرانی برای دختران مجرد در جامعه ما وجود ندارد و از فقدان امنیت اجتماعی شکایت کرده‌اند. مشابه همین یافته‌ها، پوراعتماد (۱۳۸۳) پیامدهای روانی - اجتماعی تجربه‌های ناخواسته را بدین ترتیب طبقه‌بندی کرده است: اختلالات خلقی، نیاز به تعلق، نیاز مالی، نیاز به استقلال، نیاز به داشتن فرزند، محدودیت‌های اجتماعی، نیاز جنسی، ترس از تنها ماندن در سنین کهنولت، مشکلات حقوقی، احساس عدم کفایت و نیاز به داشتن همسر. در مقابل، نظرسنجی سلیمانی (۱۳۸۵) حاکی از این است که اکثریت زنان مجرد بین ۲۸ تا ۵۵ سال مشکل اصلی خود را نداشتن شوهر عنوان کرده‌اند. او رفتار دور از اخلاق برخی مردان در جامعه با دختران مجرد را باعث آزار روحی و سلب اعتماد و امنیت روانی آن‌ها دانسته است (صمدی‌راد، ۱۳۸۵). همین یافته‌های متفاوت، نشانگر پیچیدگی و لزوم مطالعات گسترده‌تر پیرامون این پدیده است.

هدف این پژوهش بررسی تجارب، دیدگاه‌ها، نگرش‌ها، احساسات، واکنش‌ها و نیازمندی‌های افراد مجرد در رابطه با مسائل فردی و اجتماعی بوده است تا علل وقوع، عوارض و پیامدهای این پدیده برجسته شده و راه کارهای مواجهه با آن از دیدگاه افراد مبتلا مشخص شود.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

شرکت‌کنندگان شامل ۱۰ پسر و ۲۰ دختر بین سنین ۳۲ تا ۴۲ سال بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. سطح تحصیلات این گروه از بی‌سواد تا کارشناسی ارشد بود. ملاک‌های شرکت در تحقیق عبارت بودند از: سن (طیف سنی ۳۲-۴۲)، فقدان سابقه ازدواج رسمی، فقدان سابقه بیماری روانی یا جسمانی شدید به نحوی که عملکرد شغلی یا تحصیلی و فردی به نحو آشکاری مختل شده باشد.

ابزارهای پژوهش

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته و مصاحبه عمیق فردی با رویکرد پدیدارشناسی بود که طی آن شرکت‌کنندگان تجربه زنده خود را از پدیده مجرد، به تفصیل بیان می‌داشتند. در واقع سؤال اصلی این تحقیق بررسی نظر یا احساس شرکت‌کنندگان در مورد مجرد بودن‌شان بوده است. جریان مصاحبه پیرامون این تجربه تا مرحله اشباع، یعنی تا جایی که اطلاعات جدید گزارش نشود ادامه می‌یافت. با رضایت شرکت‌کنندگان، مصاحبه کلمه به کلمه مکتوب شد تا در مرحله بعد مورد تحلیل قرار گیرد. زمان و محل مصاحبه متغیر بوده و با رعایت آسایش شرکت‌کنندگان تنظیم شده است.

یافته‌های این پژوهش از تاریخ ۸۵/۳/۱۲ لغایت ۸۵/۵/۱۵ گردآوری شد. سپس به روش تحلیل کیفی با مدل کلایزی (گال، بورگ، ۱۳۸۳)، مقولات و الگوهای خاصی از آن‌ها استنباط گردید. جهت

تعیین پایایی داده‌ها از روش سه سوسازی در تحلیل استفاده شده است. اطلاعات با دقت و تأمل جمع‌آوری و سعی شده که از هرگونه سوگیری اجتناب شود. سپس یافته‌ها توسط دو نفر دیگر که نسبت به شرکت‌کنندگان و اهداف جزئی تحقیق بیگانه بودند بررسی و کدگذاری شد. در نهایت نتایج استخراج شده از مصاحبه‌ها به تأیید افراد مورد مطالعه رسید.

یافته‌ها

در تحلیل تفسیری نتایج این مطالعه مشخص شد که مهم‌ترین دلایل مجرد ماندن گروه پسران از دیدگاه خود آنان مشکلات اقتصادی و تردید در تصمیم‌گیری و در دختران کمال‌گرایی از جمله بالا رفتن توقع دختران به خاطر تحصیلات دانشگاهی، ترس از ناموفق بودن در ازدواج (ترس از طلاق) سخت‌گیری بیش از حد والدین و پیدا نکردن زوج مناسب با شرایط ایده‌آل بوده است. از بین دختران ۱۳ نفر شاغل در مراکز دولتی و ۷ نفر خانه‌دار بودند که به حرفه‌های خیاطی و آرایشگری و سایر مشاغل خانگی اشتغال داشتند. از بین پسران ۷ نفر شاغل و ۳ نفر بیکار بوده و یا شغل و درآمد ثابتی نداشتند. وضعیت مالی بیشتر شرکت‌کنندگان متوسط گزارش شده است. از بین ۳۰ نفر ۴ نفر (۱۳/۳۳٪) ۳ پسر، ۱۳/۳۳٪) از وضعیت خود راضی و ۲۶ نفر (۸۶/۶۶٪) از وضعیت مجرد خود ناراضی بودند.

تحلیل تفسیری یافته‌های حاصل از مصاحبه در ۱۲۵ کد و ۹ دسته اصلی به صورت: احساس افراد در مورد مجرد، نگرش جامعه نسبت به مجردین، واکنش افراد مجرد به موقعیت خود، نگرانی‌ها نسبت به حال و آینده، نیازها، مزایا، معایب و راه کارهای ارائه شده طبقه‌بندی شد.

کدهای شناسایی شده در دسته اول، «احساس افراد نسبت به مجرد خویش» عبارت بودند از: احساس پیری و شکستگی، احساس خشم و انتقام نسبت به خانواده، احساس تنهایی و خستگی، احساس شکست، احساس درماندگی و ناتوانی، احساس پشیمانی و نارضایتی جنسی. در مجموع افراد مجرد مانده از وضعیت خود رضایت نداشته و احساس شکست روانی و افت جسمانی می‌کنند و حالات افسردگی و غمگینی را تجربه می‌نمایند.

کدهای شناسایی شده در دسته دوم، «نگرش جامعه نسبت به مجردین» بدین شرح بودند: مردم مثل یک فرد مسن به من نگاه می‌کنند، گوشه و کنایه و حرف‌های آزاردهنده می‌زنند، دید خوبی ندارند، احساس می‌کنم مردم مرا به علت سن بالا و مجرد بودن نمی‌پذیرند، مرا به رسمیت نمی‌شناسند، عده‌ای با ترحم با من مواجه می‌شوند. در مجموع افراد مجرد با سن بالا استنباط می‌کنند در جامعه جایگاه یک فرد متأهل را ندارند. مقولات استنباط شده، احساس طرد و عدم پذیرش می‌باشند.

کدهای شناسایی شده در دسته سوم، «چگونگی واکنش افراد مجرد نسبت به موقعیت خود» شامل این موارد بودند: انزواطلبی و گوشه‌گیری، سرگرم کردن خود با ادامه تحصیل و مطالعه، نقش بازی کردن، افزایش رفت و آمد با دوستان، مسافرت، خرج‌تراشی. مقولات استنباط شده، پذیرش منفعلانه، واکنش سازی و سازگاری هستند.

کدهای شناسایی شده در دسته چهارم، «نگرانی‌های عمده افراد مجرد در شرایط کنونی» بدین ترتیب بودند: نگاه‌های آلوده مردان در مواجهه با فرد مجرد، فشار جامعه برای ازدواج به هر قیمتی، عدم پذیرش مردم و عدم امنیت اجتماعی. مقولات استنباط شده عدم امنیت اجتماعی و عدم پذیرش مسئله مجرد از طرف جامعه می‌باشد.

کدهای شناسایی شده در دسته پنجم، «مهم‌ترین نگرانی افراد مجرد نسبت به آینده» شامل موارد زیر هستند: نداشتن امنیت اجتماعی و تکیه‌گاه پس از فوت والدین، نداشتن استقلال مالی، نداشتن مراقب در هنگام کهولت. مقولات استنباط شده نگرانی در مورد استقلال مالی و استقلال فردی است.

کدها شناسایی شده در دسته ششم، «بررسی نیازهای افراد مجرد»، عبارتند از: استقلال مالی، تأمین محل سکونت مطمئن، چگونگی کنار آمدن با نیازهای جنسی، تغییر قوانین اجتماعی و امکان خروج از کشور، فرهنگ‌سازی مجرد و امنیت تک‌زیستی. مقولات استنباط شده نیاز به استقلال و امنیت اجتماعی می‌باشند.

کدهای شناسایی شده در دسته هفتم، «راه‌کارهای ارائه شده توسط مجردین» عبارتند از: کمک دولت جهت تهیه مسکن مستقل، ایجاد اشتغال، توسعه پارک‌ها و فضاهای تفریحی ویژه دختران و فرهنگ‌سازی زندگی عادی مجردین در بین مردم، مقولات استنباط شده لزوم کمک دولت و جامعه برای بهتر زیستن می‌باشد.

کدهای شناسایی شده در دسته هشتم، «مزایای مجرد» عبارتند از: داشتن فرصت بیشتر برای رشد شخصی و اجتماعی مثل ادامه تحصیل و مسافرت، راحت بودن برای ارتباط با دوستان، کم بودن مشکلات اقتصادی، آزادی در کنترل زندگی خود. مقوله استنباط شده امکان رشد شخصی است.

کدهای شناسایی شده در دسته نهم، «معایب مجرد از دیدگاه شرکت‌کنندگان» عبارتند از: تنهایی و فقدان رابطه صمیمی، احساس دوری اجتماعی و احساس کم‌ارزشی در سنین بالا به خاطر مجرد، ناکامی جنسی و سبک زندگی نامناسب. مقوله استنباط شده احساس نارضایتی می‌باشد.

بحث

نتایج این تحقیق بیانگر پیامدهای تقریباً نامطلوب روان‌شناختی برای دختران و پسران دچار تجردهای ناخواسته به‌ویژه دختران است. سؤال اصلی این است که با وجود افزایش جمعیت چرا

درصد ازدواج کاهش یافته است؟ آمارها در این باره پاسخ‌های مختلفی را ارائه می‌دهند. افزایش تعداد دختران در سن ازدواج نسبت به پسران، مرسوم بودن اختلاف سنی دختر و پسر در ازدواج در کشور ما، مسائل اقتصادی، کمبود فرصت‌های شغلی و درآمد لازم برای استقلال جوانان، ترس از طلاق و بالا رفتن توقع دختران به خاطر تحصیلات دانشگاهی، وجود روابط خارج از چارچوب ازدواج و در پی آن کم‌رنگ شدن میل به تشکیل خانواده را می‌توان از جمله عوامل کاهش ازدواج به‌شمار آورد. افزایش سن ازدواج دختران به ۲۳ سال در آمار رسمی کشور و ۲۸ سال در سازمان ثبت احوال و زندگی‌های مجردی آنان از تغییر مؤلفه‌های یک زندگی ایده‌آل حکایت می‌کند که عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن را دامن می‌زنند. آمارهای موجود نشان از بالا رفتن سریع سن ازدواج به‌ویژه در میان دختران دارد. ازدیاد فاصله میان سن بلوغ و سن ازدواج بسیار نگران‌کننده و منشأ آسیب‌های اجتماعی فراوانی است. تحقیقات روان‌شناختی نشان می‌دهد که تجرد از عوامل مؤثر بر اعتیاد، روابط نامشروع جنسی، بزهکاری اخلاقی، مشکلات روحی و روانی و حتی رفتارهای غیرمتعادل سیاسی و اجتماعی است. ولی نکته قابل ملاحظه این است که گروه مورد بررسی به‌ویژه دختران قربانی این سبک زندگی شده‌اند و خود آن را انتخاب ننموده‌اند. این عدم پذیرش و احساس اجبار را می‌توان از مقوله‌های استخراج شده آنان مثل احساس پیری، شکست روانی و جسمانی، درماندگی و ناتوانی و ناراحتی از نگرش جامعه نسبت به مجردین و عدم پذیرش پدیده تک زیستی استنباط نمود. علاوه بر موارد فوق حق طبیعی هر فرد داشتن احساس امنیت اجتماعی است، مزو این نیاز را پس از نیازهای فیزیولوژیک مهم‌ترین نیاز آدمی دانسته است (مزو، ۱۳۸۰). شرکت‌کنندگان در این تحقیق از نداشتن امنیت اجتماعی به شدت دچار ناراحتی بودند و مشکلات مالی و اقتصادی نیز بر مشکلات آنان افزوده است. بنابراین هجوم دختران مجرد به سوی بازار کار و راضی شدن به انجام مشاغل سطح پایین و دستمزد ناکافی را نیز می‌توان از عوارض تجردهای ناخواسته دانست.

در مجموع یافته‌ها و شواهد مبین تأثیر اساسی مسئله تجرد ناخواسته بر دو جنس و به‌خصوص بر دختران می‌باشد. تحلیل یافته‌های کلامی بیانگر این است که بسته به مقطع سنی نوع جواب‌ها متفاوتند. برای نمونه، هر چه سن افزایش می‌یابد گرایش به استقلال مالی بیشتر می‌شود. در حالی که رده‌های سنی زیر ۳۶ سال بیشتر متقاضی تغییر قوانین اجتماعی از جمله مجوز خروج از کشور و تغییر قوانین اجتماعی برای زنان مجرد هستند.

به هر حال نتایج این مطالعه و یافته‌های دیگر نشان می‌دهد که خواسته یا ناخواسته در سال‌های آینده، جامعه با تعداد زیادی از دختران مجرد روبه‌رو خواهد بود که علاوه بر نیازهای اقتصادی و اجتماعی، ممکن است تبدیل به عاملی برای تهدید ثبات و امنیت خانواده شوند. چه بسا دختران جوانی که نمی‌توانند به همسر دلخواه‌شان دست یابند و در نتیجه به ازدواج با همسری نامناسب تن درمی‌دهند و پس از مدت کوتاهی به طلاق می‌اندیشند، یا برای تأمین نیازهای نخستین خود وارد

زندگی خانوادگی دیگران شده و حیات خانواده را به مخاطره می‌اندازند. به علاوه، این پدیده موجب رواج بدگمانی و سوءظن در میان خانواده‌هایی می‌شود که مستقیماً دست به گریبان این مشکلات نیستند. در نتیجه، آرامش و آسایش خانواده مختل می‌شود و به نوبه خود اثرات ناگواری بر بهداشت روانی فرد و عملکردهای اجتماعی به جای می‌گذارد.

یکی دیگر از آفات افزایش نرخ دختران مجرد، افزایش قدرت انتخاب مردان و متقابلاً کاهش قدرشناسی مردان از زنان است. ادامه این روند ممکن است منجر به مسئله تعدد زوج و چندهمسری در جامعه شود که البته مغایر با فرهنگ جامعه ما بوده و برخی از تحقیقات آثار نامطلوب روانی آن را برجسته نموده‌اند (مجاهد، ۱۳۷۸).

براساس آنچه اشاره شد و با توجه به خاستگاه پدیده تجردهای ناخواسته و راه‌های مواجهه با آن، این مسئله وابسته به مؤلفه‌های تاریخی، بوم‌شناختی و دینی ایران است و نسخه دیگری (خارجی) برای آن وجود ندارد. بنابراین لازم است که این موضوع در ابعاد گسترده‌تر و از زوایای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، حقوقی و سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. هرچند که این تحقیق با محدودیت‌هایی نظیر انتخاب نمونه در دسترس که اکثر آن‌ها شاغل و تحصیل کرده بودند و عدم امکان ضبط صدای شرکت‌کنندگان به خاطر ایجاد فضای غیررسمی و دوستانه، مواجه است، اما نتایج آن همخوان با یافته‌های صمدی‌راد (۱۳۸۴) و پوراعتماد (۱۳۸۳) و پوراعتماد و همکاران (۱۳۸۵) است. پوراعتماد در بررسی‌های خود گزارش کرده است که موضوع تجردهای ناخواسته به خصوص در دختران دارای عوارض و پیامدهای نامطلوبی است که اختلالات خلقی شایع‌ترین آن‌هاست. در عین حال، مغایرت‌هایی با تحقیق سلیمانی (۱۳۸۴) دارد. همان‌طور که در تحقیق سلیمانی (۱۳۸۴) نشان داده شده است که اکثریت زنان مجرد ۲۸ تا ۵۵ ساله مشکل اصلی خود را نداشتن شوهر عنوان کرده‌اند. ولی در تحقیق صمدی‌راد (۱۳۸۵) رفتار غیراخلاقی برخی مردان با دختران مجرد مشکل اصلی عنوان شده است. بنابراین می‌توان دریافت که عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و جنسی نگرش زنان مجرد را نسبت به پدیده مجرد ناخواسته متفاوت کرده است. نتایج این تحقیق با یافته‌های گوتنتاگ و سکورد (۱۹۸۳) و تاکر (۱۹۸۶) و راثو (۱۹۹۳) همخوانی ندارد زیرا در پژوهش‌های فوق گرایش به مسائلی از قبیل فمینیسم، مشکلات ازدواج و اشتغال زنان عامل مجرد به‌شمار آمده است، در تحقیق حاضر مهم‌ترین دلایل مجرد ماندن پسران و دختران از دیدگاه آنان مشکلات اقتصادی، روانی، اجتماعی و فرهنگی عنوان شده است.

یادداشت‌ها

- | | |
|---------------------|-----------|
| 1. Marriage squeeze | 4. Tucker |
| 2. Akers | 5. Rao |
| 3. Carmichal | |

منابع

- احمدی، ع. (۱۳۸۲). بررسی نظر دانشجویان دانشگاه تربیت معلم آذربایجان در مورد برخی موانع و مشکلات ازدواج، همایش ازدواج دانشجویی، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان.
- امینی، ا. (۱۳۷۱). انتخاب همسر. قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ایمانی، م. (۱۳۷۹). مشکلات ازدواج در سنین بالا. نشریه اصلاح و تربیت، ۶۴، ۲۸-۲۷.
- بستانی، م. (۱۳۷۲). اسلام و روان‌شناسی (ترجمه م. هوشم). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- بوسکالیا، ل. (۱۳۷۰). زندگی عشق و دیگر هیچ (ترجمه م. قرچه‌داغی و ز. فتوحی). تهران: انتشارات روشنگران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۸۰).
- سیف، س. (۱۳۶۸). تئوری رشد خانواده. تهران: دانشگاه الزهرا (س).
- پوراعتماد، ح. ر. (۱۳۸۳). بررسی پیامدهای روانی - اجتماعی "تجربدهای ناخوایسته" در دختران. مقاله ارائه شده در اولین کنگره آسیب‌شناسی خانواده، تهران: پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- پوراعتماد، ح. ر.، سعادتمند، ن.، خرم‌آبادی، ر.، و بهاوردی، ا. (۱۳۸۵). بررسی شناخت‌ها، احساس‌ها و واکنش‌ها در تجربدهای ناخوایسته. مقاله ارائه شده در دومین کنگره آسیب‌شناسی خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ستوده، ه. (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- شولتز، د. (۱۳۸۳). نظریه‌های شخصیت (ترجمه ی. کریمی، ف. جمهری، س. نقشبندی، ب. گودرزی، ه. بحیرایی و م. ر. نیکخو). تهران: نشر ارسباران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۸)
- مجاهد، ع. (۱۳۷۸). مقایسه سلامت روانی زنان در خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری. مجله اندیشه و رفتار، ۲۵، ۶۰.
- مرکز اطلاعات و آمار ایران (۱۳۸۷). قابل دسترسی در سایت درگاه ملی آمار ایران به نقل از محمد مدد، رئیس مرکز آمار ایران [آنلاین]. قابل دسترسی در: <http://www.aftabnews.ir>
- مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما. (۱۳۸۳). چالش‌های ازدواج. ماهنامه بازتاب/اندیشه ۴۹ و ۵۰، ۱۵-۱۴.
- صمدی‌راد، ا. (۱۳۸۵). بررسی مشکلات دختران مجرد. فصلنامه فرهنگی و پژوهشی آفتاب، ۱ (۵)، ۴-۵.
- صمدی‌راد، ا. (۱۳۸۵). بررسی مشکلات دختران مجرد. نشریه پیشگامان، ۵، ۸-۷.
- سلیمانی، ا. (۱۳۸۵). نظرسنجی دانشگاه علامه طباطبائی از دختران مجرد در مورد فقدان امنیت اجتماعی، مجله زنان، ۲۴، ۲۴.
- گال، ب. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (ترجمه م. ر. نصر و همکاران). تهران: انتشارات رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۴۲).
- Akers, D. S. (1967). On measuring the marriage squeeze. *Demography*, 4(2), 904-924.
- Carmichael, G. A. (1988). With this ring: First marriage patterns, trends and prospects in Australia. *Journal of Quantitative Economics*, 1(1), 114-133.
- Tucker, B. (1986). Sex ratio imbalance among Los-Angeles Afro-Americans. The conference on minorities in the post-industrial city, ISSR, working paper No 4.
- Rao, V. (1993). Dowry inflation in rural India: A statistical investigation. *Population studies*, 47, 283-293.
- Reddy, P. H. (1991). Family structure and age [On-Line]. Available: www.consang-net/images/c/c4/Demography_Asia_South.pdf